

نیلوفر آبی

خورشید مومنی

نیلوفر آبی در مرداب می‌شکفتد، با مرگ می‌رقصد و سکوتش ناقوس عشق را در قلب ما به صدا درمی‌آورد.

«در آخرین لحظاتی که مرگ به سراغ فاؤست آمد، با پیروزی به او گفت: من تا چند صدم ثانیه‌ی دیگر نابودت می‌کنم، و تو شکست خورده‌ای به این شکست اعتراف کن. فاؤست پاسخ می‌دهد:

درست است که تو چند صدم ثانیه‌ی دیگر وجودم را می‌ستانی، اما هرگز نمی‌توانی تأثیری را که من در طول زندگی بر هستی گذشته‌ام از میان برداری. با چنین سعادت، من آنتوان، از والاترین لحظه‌ی زندگی‌م کام می‌گیرم».

«فاؤست اثرگفته»

گفته در آخرین قسمت داستان خود نشان می‌دهد که انسان آگاه چیزی فراتر از یک کالبد فیزیکی است. او با تقسیم آگاهی‌اش، و با تأثیری که بر هستی می‌گذارد، جاودانه می‌شود. شیوه‌ی نگرش انسان به زندگی است که او را میرا یا جاودان می‌کند.

| | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| مرگ هر یک ای پسر هم‌رنگ اوست | آینه صافی یقین هم‌رنگ روست |
| پیش‌ترک آینه را خوش‌رنگی است | پیش‌زنگی آینه هم‌زنگی است |
| ای که می‌ترسی ز مرگ اندر فرار | آن ز خود ترسانی ای جان‌هوش‌دار |
| زشت روی توست نی‌رخسار مرگ | جان تو هم چون درخت و مرگ برگ |

«مولوی»

در سال ۱۲۹۶ در تهران زاده شد، عشق سرشار او به مردم و سرزمینش او را وارد عرصه‌ی نبرد بر علیه دژخیمان مستبدزمان خود کرد. در زندان هم از حرکت باز نایستاد. مانند رودی که صخره‌ها راهش را در کوهستان تعیین می‌کردند، با فراز و نشیب روزگار دست و پنجه نرم کرد، بدون آن که هدف خود را که دریا بود، فراموش کند.

نخستین برگردان او رمان «دختر روستایی» اثر گی دو مویسان نویسنده‌ی ناتورالیست فرانسوی بود. مویسان از نخستین کسانی است که نوشتن داستان‌های کوتاه را در اروپا رواج داد. او رمان یاد شده را در سال ۱۳۱۸ یعنی یک سال بعد از بازداشت از زبان فرانسه به فارسی برگرداند. در سال ۱۳۲۴ «نبرد تراست‌ها» را ترجمه کرد. به آثار آنتوان چخوف توجه ویژه‌ای داشت. «داستان زندگی من» و پنج اثر از او را به فارسی برگرداند. جهانگیر افکاری در طول زندان و در لحظات سخت زندگی نیروی خود را با کلمات بی‌هوده هدر نداد، بلکه آن را در مقاومت صرف کرد. کتاب «اصول مقدماتی نلسفه» اثر ژرژ پلیت سر یکی از برگردان‌های مشهور او است. در سال ۱۳۳۶ بعد از رهایی از زندان نوازنده‌ی «ناینا» اثر «کارالنکو» و کاندیدا اثر ولتر را ترجمه کرد. «جنگ شکر در کوبا» اثر ژان پل سارتر از برگردان‌های معروف دیگر او است.

جهانگیر افکاری با انتخاب دقیق آثار برای برگرداندن به فارسی، به مبارزان راه آزادی، احترام به زندگی را آموزش می‌داد زیرا زندگی از نظر او مقدس بود. او از ایمان و مهر خویش در سخت‌ترین شرایط به دیگران می‌بخشید و می‌آموخت که یادگیری تنها ثروتی است که چپاولگران نمی‌توانند غارتش کنند.

جهانگیر افکاری انسانی متعادل منسجم و آرام بود. در کار شتابی نداشت، اما به دام تنبلی هم نمی‌افتاد. از حرکات نسنجیده دوری می‌کرد، و با پیش‌روی آرام به قدرت گام‌های خود توجه داشت. در شرایط دشوار، با دقت عمل می‌کرد. آهسته گام برمی‌داشت، هوشیار بود و فعال، اما آسوده، روان و راحت بود. به حدی ساده و بی‌تکلف بود. که همه‌ی دوستانش را شیفته‌ی خود می‌ساخت. جذابیت او در نهایت سادگی او بود. نگاهی بدون قیاس و قضاوت داشت. به جای داوری، درکی عمیق از شرایط سخت زمان خویش داشت. با رفتاری محکم و سازش‌ناپذیر با همه برخورد می‌کرد و نگران احساسات دیگران در مورد خود نبود، زیرا ایمان داشت که آزادترین مردم، کسانی هستند که در مورد خود احساس آرامش درونی داشته باشند. چالش‌ها را در هر لحظه می‌شناخت و با حرکت آرام و سنجیده‌ی خود به دیگران می‌آموخت که: آن چه باعث غرق شدن می‌شود فرو رفتن در آب نیست، بلکه ماندن در زیر آب است.

او در ۱۱ دی ماه ۱۳۸۲ با سکوت خود به حقیقت نزدیک‌تر شد و با ترجمه‌های خود جاودانه.

آن را که زندگیش به عشق است مرگ نیست هرگز گمان مبر که مر او را فنا بود

«سنایی»